

جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت

دکتر سیدمهدی سجادی*

چکیده

یکی از تحولات دوران معاصر که اثرات شگرفی را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به جای گذاشته و می‌گذارد، مسأله جهانی شدن است. جهانی شدن با ابعادی که دارد (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) بر تمامی عرصه‌ها از جمله تعلیم و تربیت نیز اثرات فراوانی (اثرات مثبت و منفی) به جای می‌گذارد. امروزه یکی از نمادهای تأثیر پدیده جهانی شدن بر تعلیم و تربیت، یادگیری جهانی و تغییر پارادایم تعلیم و تربیت است. به عبارت دیگر، تأثیر جهانی شدن بر نظام آموزشی، به معنی دگرگونی در پارادایم یادگیری و تعلیم و تربیت است. این مقاله در پی پاسخ به چند سؤال اساسی در مورد تأثیر جهانی شدن بر مؤلفه‌های اساسی تعلیم و تربیت است؛ از جمله چه نسبتی بین جهانی شدن و تعلیم و تربیت وجود دارد؟ تحولات در اهداف تعلیم و تربیت ناشی از تأثیر جهانی شدن، کدامند؟ برنامه درسی و محتوای تعلیم و تربیت و یادگیری چه تغییراتی می‌یابند؟ وجوه چالش برانگیز تأثیرات جهانی شدن برای مؤلفه‌های تعلیم و تربیت (اهداف، محتوی، ساختار) چگونه است؟ البته در این مقاله به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر، بررسی مختصر تاریخی ظهور جهانی شدن و ابعاد آن نیز مورد توجه قرار گرفته است.

کلید واژگان: جهانی شدن، تعلیم و تربیت، جهانی شدن و تعلیم و تربیت، پارادایم تعلیم و تربیت و یادگیری جهانی، بین‌المللی شدن، تمرکز گرایی ساختاری، هویت دیجیتالی، محتوای تصویری و غیرمکتوب، نظام داوری و ارزشیابی جهانی و غیرملی-محلی، مدارک استاندارد، شبیه‌سازی

* - عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس تهران

مقدمه

منفی اثرات آن بر امور مختلف است (کیوان، ۱۳۷۶).

البته تحلیل دقیق مفهوم جهانی شدن مستلزم تبیین مشخصه‌های اصلی آن است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان یکپارچه سازی بازرگانی را از طریق حذف مرزهای تجاری، تحرک شفاف سرمایه، تبادل تکنولوژی و پخش آن و افزایش عمومی مصرف‌گرایی جهان که خود ناشی از قدرت اطلاعات و تکنولوژی ارتباطات است، به عنوان مشخصه‌های کلی جهانی شدن تلقی کرد (بازانسون، ۱۳۷۸).

روبرتسون^۲ به عنوان یک جامعه شناس در اثر خود به نام «جهانی شدن، فرهنگ جهانی و اشارتهای نظم جهانی» جهانی شدن را مجموعه فرایندهایی می‌داند که به پیدایش جهانی واحد منتهی خواهد شد. جوامع در همه جنبه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی‌شان به طور متقابل به یکدیگر وابسته خواهند شد و دورنمای این وابستگیهای متقابل، جهانی شدن واقعی (جامعه بشری) خواهد بود (زاهدی، ۱۳۷۸).

جهانی شدن از پیشینه دیرینه‌ای برخوردار است، هر چند نه به معنی تحقق شرایط و مؤلفه‌های جهانی شدن از جمله گستردگی ارتباطات، افزایش اطلاعات و تکنولوژی پیشرفته؛ بلکه بیشتر در سطح آرزوها و پندار.

با توجه به اهمیتی که بحث جهانی شدن در محافل علمی و پژوهشی یافته است و با عنایت به ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی این پدیده و ارتباط ابعاد فوق با فرایند تعلیم و تربیت و اثراتی که جهانی شدن برای عناصر فرایند تعلیم و تربیت در بر دارد و با توجه به تعارضات فراوانی که در زمینه جهانی شدن و تبعات فرهنگی آن بروز کرده است به منظور بررسی آثار و پیامدهای این پدیده برای تعلیم و تربیت، مقاله حاضر تدوین شده است که در پی می‌آید.

مفهوم و تاریخچه جهانی شدن

مفهوم جهانی شدن^۱ به دلیل نو بودن خالی از ابهام نیست. جهانی شدن که در زبان فرانسه معادل (Mondialisation) و در زبان انگلیسی معادل "Globalization" است عبارت از روندی چند شکلی است که وابستگی متقابل میان منطقه‌های مختلف جهان و جنبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی را به وجود می‌آورد. جهانی شدن اصطلاحی است که مخالفتها و موافقتهای فراوانی را برانگیخته و در حالی عده‌ای آن را محکوم می‌کنند، عده دیگری از آن جانبداری می‌نمایند. این موافقتها و مخالفتها خود دال بر وجود جنبه‌های مثبت و

² - Robertson

¹ - Globalization

گرفت. جهانی شدن را می‌توان در عین حال عالی‌ترین مرحله تکامل تمدن بورژوازی و پایدارترین شکل تحول فرهنگ مدرنیسم و از همه مهمتر ضامن رهایی انسان از قید و بندهای غیرعقلانی، سنت‌گرایی تحجرآمیز و خرافه‌گرایی وهم‌آلوده به شمار آورد. دستاوردهایی هر دو انقلاب در تمام جهان گسترش یافت و از طریق جهانی کردن برخی ویژگیهای فرهنگی و تکنولوژی فرهنگی و تکنولوژی نو، شرایط لازم برای پیدایش ایده جهانی شدن را در فاصله یک صد سال بعد فراهم ساخت.

بحث درباره جهانی شدن به معنی کلان و شفاف آن از دهه آغازین قرن بیستم به بعد رواج یافت و به دو جریان فکری متمایز منجر شد:

الف: جریان نخست که اوایل دهه ۱۹۱۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ را شامل می‌شود که در بطن خود مباحثی چون استعمار و نابرابری در ابعاد فرهنگی، نظامی و اقتصادی (که مؤلفه‌های اصلی قدرت در عرصه جهانی‌اند) را مطرح ساخته است. این دوران، دوران اوج نظریه پردازان مارکسیسم و جامعه‌شناسان چپ‌گرا و رادیکال بوده است.

ب: جریان دوم از دهه ۱۹۸۰ شروع و در دهه ۱۹۹۰ به اوج خود رسید. در این دوره جهانی شدن از منظر یک واقعیت اجتماعی و در قالب نظم نوین جهانی مطرح شد. این

”در قرون گذشته تنها کسانی که قدرت و توان تصور جهانی شدن (یعنی امکان گسترش نامحدود قلمرو تأثیرگذاری، تملک و یا خودبزرگ بینی) را داشتند عبارت بودند از: امپراطوران، پاپها، پادشاهان، پیشوایان. با تحولات قرن بیستم که فن‌آوریهای ارزان قیمتی در زمینه ارتباطات و حمل و نقل به وجود آمد، امکان جهانی شدن به واقع در دست همگان قرار گرفت (گرگن^۱، ۱۹۹۹).

البته با مطالعه و بررسی شعارهایی که در جهانی شدن مطرح‌اند، می‌توانیم به ریشه تاریخی ظهور آن نیز دست یابیم. به همین دلیل با برخورد با شعارهایی چون همگنی، همگرایی، یکپارچگی، آزادی فردی و اجتماعی در سطح وسیع آن، افزایش قدرت تکنولوژی، رشد صنعت فرهنگ سازی، گسترش تکنولوژی ارتباطات و سلطه دولتها و حکومتها بر سونوشت مردم و... که همگی از بستر جهانی شدن برمی‌خیزد، می‌توان به انقلاب صنعتی و انقلاب کبیر فرانسه که فرایند جهانی شدن نخستین نشانه‌هایش از زمان این دو انقلاب ظاهر شده است، رهنمون شد. دو انقلاب فوق ریشه در تلاشهای رهایی‌جویانه عصر رنسانس و روشنگری داشتند و به پیدایش تمدن نوینی منجر شدند که بعدها ”تمدن و فرهنگ بورژوازی“ یا مدرنیسم^۲ لقب

^۱ - Gergen

^۲ - modernism

تفاوتها و اختلافات فرهنگی، ارزشها و هنجارها، سلیقه‌ها و بینشها و مراکز تصمیم‌گیری جداگانه و مستقل وجود نداشته باشد. این تصمیم‌گیری خواه سیاسی و خواه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا آموزشی باشد، به هر حال باید تابع یک روال و روش و جهت‌گیری واحد جهانی باشد، که البته خود چالشهای جدی را برای فرهنگها و ملت‌های مختلف و متنوع جهان به وجود می‌آورد و این چالشها بیشترین آثار و پی‌آمدها را در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت موجب می‌شود که بدان خواهیم پرداخت. البته بسیاری بروز پیامدهای منفی و یا مثبت جهانی شدن را امری واقعی و طبیعی و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند، زیرا که معتقدند "جهانی شدن نتیجه تاریخ است. حقیقتی است که آمده تا پایدار بماند. هر واقعه‌ای که رخ می‌دهد، نتیجه زنجیره‌ای از علت و معلولها است که دنیا را به یک کل هستی قابل درک وصل می‌کند. با بررسی این علت و معلولها می‌توانیم بفهمیم که جهانی شدن در زمان حاضر چه مفهومی را داراست (People Tribune, 2000).

جهانی شدن و ابعاد آن

از آنجایی که هدف اساسی مقاله حاضر مطالعه و بررسی آثار و تبعات و چالشهای جهانی شدن برای تعلیم و تربیت و نظامهای آموزشی است، لذا، لازم است ابعاد جهانی

جریان فکری دارای سه ویژگی مهم است. اول آنکه جهانی شدن را مثبت ارزیابی می‌کند. دوم اینکه از دید کارکرد گرایانه به آن می‌نگرد و سوم آنکه بر خلاف جریان فکری نخست، فاقد ارزش-داوریهای سیاسی و اخلاقی است (زاهدی، ۱۳۷۸). به هر حال جهانی شدن در فرایند گذر زمان دچار تحولات مفهومی و کارکردی شده است به طوری که بعد صرفاً اقتصادی را پشت سر نهاده و حوزه‌هایی چون سیاست، قدرت، تکنولوژی، ارتباطات، اطلاعات، مسایل جامعه شناختی و روانشناختی نیز شده است.

ایجاد نظام جهانی که خود محصول جهانی شدن است، به عنوان یک شبکه تبادل قدرت، شوق انتشار گسترش چیزی است که شاید آن را بتوانیم یک "مدل پیشرفت" بنامیم. این مدل شامل عادات مصرف، شکلهای تولید، شیوه‌های زندگی، معیارهایی در جهت موفقیت اجتماعی، منابع فرهنگی و حتی اشکال سازماندهی سیاسی نیز می‌باشد. ارتباطات قدرت سلطه حقیقی و اولیه این مدل پیشرفت را بر روی بقیه محکم نمود. و بنابراین، نظام جهانی درصدد تشویق جامعه و تمدن به شبیه‌سازی^۱ می‌باشد (کامیلیا، ۱۹۹۷).

به هر حال فرایند جهانی شدن در پی ایجاد جهانی است که در آن حدود و ثغور کشورها،

^۱ - assimilation

^۲ - Comeliau

شدن را که هر کدام ممکن است از جهانی تعلیم و تربیت را متأثر سازد، مورد بررسی قرار گیرد.

از نظر صاحب نظران و کسانی که پیرامون جهانی شدن تئوری پردازی می کنند، جهانی شدن دارای سه بعد اساسی است که به اختصار بدآنها می پردازیم:

بعد اقتصادی

جهانی شدن اقتصاد سرمایه داری و به ویژه امور مالی، پدیده ای جدید نیست، بلکه در گذشته نیز مورد توجه بوده است، آنچه در این مورد جدید به نظر می آید، شتاب و سرعت آن در دهه هفتاد و هشتاد است. چنانچه در سالهای اخیر افزایش تبادل کالا، خدمات، سرمایه و فن آوری به حدی است که منجر به تغییرات وسیعی در نحوه توزیع قدرت تصمیم گیری در اقتصاد جهانی شده است. در ضمن تغییرات فراوانی در حوزه اقتصاد ملی پدیدار گردیده، در طی ارتباطات جدید قدرت، الگوهای ملی اقتصاد ناگزیر از انطباق خود با نیازهای جدید جهانی شدن بوده است.

جهانی شدن (به زعم طرفداران آن) در حکم نوشدارویی است که برای بیماریهای اقتصادی جهانی تجویز می گردد. چنین ادعا می شود که جریان آزاد سرمایه، نیروی کار، کالا و اطلاعات بدون دخالت دولت و دیگر شکلهای مداخله، تنها راه رسیدن به سعادت

جهانی می باشد. لیبرالیسم اقتصادی که توسط سازمانهای مختلف منطقه ای مانند اتحادیه همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوسیه¹ و سازمانهای جهانی² و... تقویت شده است، چنان در حال جارو کردن جهان می باشد که در نهایت میلیونها اسکلت را بر جا می گذارد (Cheng, 1999). البته از نقطه نظر اقتصاد بازرگانی می توانیم ایجاد پنج نوع تحول را در عرصه فوق که خود از داعیه های جهانی شدن به حساب می آید مورد اشاره قرار دهیم؛ از جمله آزادسازی و یکپارچگی، تخصصی شدن تجارت، تحول در سرمایه گذاری مستقیم خارجی، پیشرفت فن آوری و آزاد سازی بازار و مقررات (Smeets, 1999). به هر حال روشن است که جهانی شدن عمدتاً توسط مقاصد اقتصادی تقویت می شود، لیکن تأثیر آن فراتر از اقتصاد بوده و مردم، دولتها، جوامع، فرهنگها و تمدنهای را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. اما بیشتر پیشرفت آن فعلاً در عرصه سیاستهای اقتصاد نمودار شده است.

بعد اجتماعی

جهانی شدن را نمی توانیم تنها به بعد اقتصادی آن محدود کنیم، بلکه پدیده ای است که از بسترهای اجتماعی خاص سربر آورده است. به همین دلیل ما باید هم تعریف جامعه

¹ - APEC

² - GATT

شناختی جهانی شدن را در اختیار داشته باشیم و هم علوم اجتماعی ما باید ابزارهایی از تحلیل را در اختیار داشته باشند که بتوانند این پدیده معاصر را به درستی بررسی و تحلیل نمایند. درک واقعی جهانی شدن در بعد اجتماعی مستلزم بررسی دقیق ساختار جوامع غربی، بسترهای اجتماعی که غرب بر روی آن حرکت می‌کند و همچنین مطالعه ساختار روابط بین جوامع مختلف با هم می‌باشد. "در فهم بعد اجتماعی شدن، درک چگونگی عملکرد نظامها (رسمی و یا غیررسمی) و چگونگی تأثیرگذاری این نظامها از داخل و خارج بسیار مهم است (Sreberny, 1999).

علاوه بر این ما در جهانی زندگی می‌کنیم که شاخصه اساسی آن حرکت امور است. این امور شامل عقاید و ایدئولوژیها، مردم و کالاها، تصاویر و پیامدها و روشها و فن آوریهاست. لیکن ثابتهای مشخص نیز وجود دارند و آن دولتها می‌باشند که امروزه همه جا به وسیله تغییرات جمعیتی، تدابیر فراملی در بین مرزهای ملی مشخص می‌شوند.

آنچه روشن است این است که جهانی شدن مشکلاتی را به وجود می‌آورد که به صورت منطقه‌ای و در جوامع محلی (ملی) جلوه‌گر می‌شوند. همچون عبور جریان رسانه‌ها از فراز مرزهای ملی که پیامدهای چون ثروت و رفاه را در بردارند ولی توسط معیارها و ملاکهای ملی زندگی مردم و قدرت

خرید آنها برآورده نمی‌شود، بحث حقوق بشر که تعریف مشخص و خاصی (واحد) از آن می‌شود (علیرغم اختلاف در عقاید و ایدئولوژیها). طرح دیدگاههای درباره جنسیت و فمینیسم و همچنین تصویر سازهای جهانی که خود بخود بر دیگر ملل تحمیل می‌شوند. تصویرسازی و تخیل امروزه ابزاری در جهت دامن زدن به نفوذ اثرات اجتماعی شدن تلقی می‌شود. تصویرسازی در پی ایجاد شکل‌های جدیدی از تفکر، ذهنیت و احساس است. کارکرد تصویرسازیها ایجاد حس وابستگی و پیوند است و در نتیجه جهان به صورت یک نظام اجتماعی واحد تلقی می‌شود و پیوند با نظام واحد جهانی خودبخود به معنی تعیین سرنوشت و عدم پیوند با آن به معنی نابودی و دور شدن از حلقه اتصالات خواهد بود. به هر حال جهانی شدن پدیده‌ای با بعد اجتماعی است که به بروز تحولات اساسی در مناسبات مردم با دولتها، دولتها با دولتها و تحول در نحوه نگرش و ایدئولوژیها و همچنین رفتار و شیوه‌های زندگی جمعی و نیز بر تحول در اصول، اهداف و برنامه‌های تعلیم و تربیت جوامع مختلف منجر می‌شود.

بعد فرهنگی

درباره فرهنگ در نظام جهانی دیدگاههای متنوعی وجود دارد. برخی فرایند جهانی شدن را به ویژه در ابعاد جامعه شناختی آن نوعی

گردش پدیده‌های ملی در مقیاس جهانی یا در عرصه تعدادی از فرهنگها را یکی از خصوصیات جهانی شدن دانسته‌اند. این بدین معنی است که پدیده‌ای ملی در فرهنگهای دیگر با استقبال توده‌ای روبرو می‌شود و در معرض توده‌ای قرار می‌گیرد. از جهانی شدن فرهنگ هنگامی سخن می‌گوییم که محصولات فرهنگی در سطح جهانی به گردش درآید. "برخی این پدیده را نویدی در مسیر ایجاد جهانی دموکراتیک و متحد می‌دانند که با اتکاء به یک فرهنگ جهانی شکل می‌گیرد و به قول مارشال مک لوهان به استقرار دهکده جهانی می‌انجامد. عده‌ای دیگر آن را حاصل از دست رفتن و گم شدن هویت می‌دانند (پهلوان، ۱۳۷۸). به هر حال روند شتابان جهانی شدن، فرهنگ را به شدت تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. در جهانی که محصول جهانی شدن است، انسانها با هم در تعامل هستند و هر لحظه به واسطه ارتباطات ماهواره‌ای می‌توانند از یکدیگر باخبر باشند. از طرفی دیگر جهانی شدن فرهنگ باعث می‌شود تا فرهنگهای ملی در حاشیه قرار گیرند و کنار گذاشته شوند. بنابراین، هر فرد در هر جامعه شاهد آن خواهد بود که ارزش فرهنگهای بومی و ملی را از دست داده و به فرهنگهای گرایش پیدا خواهد کرد که از نظر فکری، اخلاقی و روحی ساخته و پرداخته جوامع دیگر است. از نظر بعضی نیز این حالتها زمینه هرج و مرج، بی اعتمادی

"تهاجم فرهنگی" می‌دانند، در حالی که برخی از صاحب‌نظران علوم ارتباطات یکی شدن فرهنگ ملتها را که حاصل ارتباطات شبکه‌ای و ماهواره‌ای می‌باشد، یکی از جنبه‌های مثبت پدیده جهانی تلقی می‌کنند. به هر حال در یک نگاه کلی، جهانی شدن به طور عمده در دو سو شکل می‌گیرد: در پهنه اقتصاد و در عرصه فرهنگ. ابعاد دیگر این موضوع تابعی از این دو خواهند بود. به باور برخی از نظریه‌پردازان آنچه ما را به فرایند جهانی شدن پیوند می‌دهد در نهایت اقتصاد است. البته این عده فرهنگ را تابعی از تحول اقتصادی به حساب می‌آورند. در عین حال برخی نیز تحولات فرهنگی را تحولاتی عظیم می‌دانند و معتقدند که باید به طور مستقل و در ارتباط با عناصر دیگر خود را نشان دهد و در حقیقت این افراد اقتصاد را تابعی از فرهنگ می‌شمارند. بنا به عقیده واترز^۱ تبادلات مادی، منطقه‌ای می‌شوند، تبادلات سیاسی، بین‌المللی و تبادلات سمبلیک، جهانی می‌شوند. بنابراین جهانی شدن جوامع انسانی بستگی به میزان تأثیر ارتباطات فرهنگی بر ترتیبات اقتصادی و سیاسی دارد. از اقتصاد و سیاست تا آن حد می‌توان انتظار جهانی شدن را داشت که فرهنگی شده باشند. حتی می‌توان انتظار داشت که میزان جهانی شدن در قلمرو فرهنگی بیش از دو حیطة دیگر باشد (Tomlinson, ۱۹۹۹).

^۱ - Waters

پرورش فارغ التحصیلانی نمایند که در زمینه فنون و علوم تولید نرم‌افزاری و برآورده ساختن نیازهای اقتصاد بازارکارایی داشته باشند. طرفداران جهانی شدن تعلیم و تربیت با طرح این سه نکته که مدارسمان باعث ناکامی فرزندانمان می‌شود و فارغ التحصیلان مدارس مهارت‌های لازم را ندارند و اینکه ایجاد کار برای فردی که دارای تخصص بالا می‌باشد، مشکل است، بر این راهکار تأکید می‌کنند که تعلیم و تربیت عمومی باید سه هدف عمده را دنبال کند. اولین هدف تأمین وفاداری ایدئولوژیکی جوانان به نظریه تجارت آزاد جهانی با توجه به حفظ محیط زیست، حقوق مشترک و نقش دولت می‌باشد. دومین هدف راهیابی بازار به قلب و ذهن مشتریان جوان و بستن قراردادهای پر سود در رابطه با تعلیم و تربیت می‌باشد و سومین هدف هم تبدیل مدارس به مراکزی تعلیمی است که نیروی کاری مناسب با نیاز شرکت‌های فراملی تولید کند (Smith, 1999) به هر حال مشکل تعلیم و تربیت و نظام‌های آموزشی این است که باید بتواند انسان‌هایی تربیت کند که قادر باشند در دنیایی مولد و در حال تغییر زندگی کنند. دنیایی که دارای اختلاف طبقاتی، فرهنگی و اجتماعی حاد نباشد. دنیایی که بیش از پیش به نظام شبکه‌ها متصل و وابسته است.

طرفداران نظریه جهانی شدن تعلیم و تربیت، ضرورت جهانی شدن تعلیم و تربیت

فروپاشی فرهنگی را که خود به جنگ فرهنگی منجر خواهد شد، به وجود می‌آورد (غلیون، ۱۳۷۸).

به هر حال بروز بحران‌های هویتی و فرهنگی در جوامع ملی و نفی استقلال فرهنگی دیگر ملل از تبعات جهانی شدن فرهنگ است که باید از طریق نظام‌های آموزشی ملی و محلی با آن مقابله کرد. البته خود نظام‌های آموزشی نیز تحت تأثیر جهانی شدن فرهنگ قرار می‌گیرند که در بخش جهانی شدن و پیامدهای آن برای نظام‌های آموزشی بدان خواهیم پرداخت.

جهانی شدن و تعلیم و تربیت

با عنایت به تأیید بعد اجتماعی و فرهنگی جهانی شدن و تحولات اجتماعی و فرهنگی ناشی از تأثیر جهانی شدن بر اجتماع و فرهنگ، طبیعی است بین جهانی شدن و تعلیم و تربیت (به واسطه نسبت تعلیم و تربیت با اجتماع و فرهنگ) نیز نسبتی برقرار شود، که یکی از شفاف‌ترین این نسبتها- جهانی شدن تعلیم و تربیت است.

امروزه دارا بودن اطلاعات، آگاهی و تحول و نوآوری از عوامل اصلی پیشرفت تلقی می‌شود و شکی نیست که بین تحقق این پیشرفت‌ها و کارکرد نظام‌های آموزشی نسبت منطقی وجود دارد. از مدارس و دانشگاه‌ها نیز انتظار می‌رود تا توجه خود را معطوف به

امکانات متعددی را از طریق علم و فن آوری گشوده و از طرف دیگر خطرات قابل ملاحظه‌ای چون بروز اشکال جدیدی از بی سوادی، عدم آمادگی برای ورود به بازار کار، عدم توانایی پاسخگویی به نیازها و نبودن پتانسیل یکپارچه سازی نظامهای آموزشی را به وجود می‌آورد، ما نیازمند نظامی از تعلیم و تربیت هستیم که بتواند ضمن رفع چالشهای که خود ناشی از جهانی شدن تعلیم و تربیت است، و با رفع بی عدالتها و نابرابریها، قدرت ایجاد دنیایی سرشار از عدالت و احترام به حقوق و ویژگیهای متقابل را دارا باشد.

جهانی شدن و چالشهای آن برای تعلیم و تربیت

جهانی شدن به معنی ظهور یک نظام جهانی در عرصه اقتصاد، سیاست و اجتماع، مشکلاتی را در عرصه‌های فوق از جمله تعلیم و تربیت به وجود می‌آورد، زیرا جهانی شدن انتظارات جدیدی را از نظامهای آموزش ملی در زمینه‌هایی چون انتقال آگاهی، تحول توانمندیها و شکل دادن نظامهای ارزشی به وجود می‌آورد. البته جهانی شدن بیشترین تأثیر خود را ابتدا روی تعلیم و تربیت خارج از مدرسه (تعلیم و تربیت غیررسمی) به جای می‌گذارد. شاید مشکلات جهانی تا حدی نیازمند بین‌المللی شدن تعلیم و تربیت باشد. تا آنجا که بتواند ارزشها و ملاکهای مشترکی از

را به ضرورت پاسخگویی نظامهای آموزشی به نیازهای زیر می‌دانند، نیازهایی چون؛ ارتباط تنگاتنگ نظامهای آموزشی با دنیای نوین (دارا بودن ظرفیت پذیرش فن آوری به کارگیری و آموزش آن به شهروندان که خود از طریق شکستن انزوای آن، روز آمد شدن روشهای آموزشی و تغییر محتوای آموزشی متناسب با نیاز دنیای کار)، ایجاد یک رویکرد نظامدار آموزشی (ایجاد ارتباط محکم بین محتوای آموزشی و نیازهای بازارکار، نمایش تجربه زندگی واقعی در قالب تمرینهای آموزشی، به نحوی که تعلیم و تربیت نه به معنی یک هزینه اجتماعی، بلکه به عنوان منبع اصلی قدرت در کشور نگریسته شود). نیاز به تلفیق مدرنیسم و شهروندی (اگر تعلیم و تربیت درصدد دستیابی به رموز زندگی مدرن باشد، بایستی بتواند کلیه مهارتهای لازم را برای شرکت در زندگی اجتماعی انتقال دهد، و در جامعه مدرن تحولی سازنده پیدا کند) زیرا که مدرنیسم و مدنیت تنها رویکرد تعلیم و تربیت به حساب نمی‌آیند بلکه خودبخشی از یک جنبش واحد جهانی به حساب می‌آید (Ohone, 1996).

امروزه عدم کارایی کیفیت آموزشی نمودار شده است و حتی پیشرفته‌ترین جوامع هم دچار این معضل هستند، و با توجه به انتظارات جهانی شدن که خود پیامدهای متناقضی را در بردارد، یعنی از یک طرف

مشکلاتی پیرامون هویت افراد و گروهها و عدم تحقق تکامل اجتماعی در یک فضای ناامن، فردگرایی و رشد فقر و همچنین جهت‌گیری تعلیم و تربیت به سمت برنامه‌های کوتاه مدت، در حالی که تعلیم و تربیت یک برنامه بلند مدت است (Torres, 1998). البته بین‌المللی شدن تعلیم و تربیت از نظر بعضی از اندیشمندان یک واقعیت تحولی- تاریخی اجتناب‌ناپذیر است، چنانچه کر^۲ تاریخ تحول نظام آموزش عالی را در سه مرحله نشان می‌دهد: مرحله اول دوره هم‌گرایی بود که ویژگی آموزش عالی در قرون وسطی و در طی رنسانس بود که در آن زمان دانشگاهها به دلیل جهانی بودن تحقیقات دانشگاهی، جامع بودن برنامه‌ها و ترکیب بین‌المللی دانشجویان، به معنی واقعی بین‌المللی بوده است. مرحله دوم، دوره واگرایی است که از سال ۱۸۰۰ تا جنگ جهانی دوم را پوشش می‌دهد. آموزش عالی در این زمان متوجه منابع ملی و هویت‌های ملی بوده است. مرحله سوم، مرحله تجدید همگرایی می‌باشد. این مرحله پس از جنگ دوم جهانی آغاز شده و آن بازگشت بر جهانی شدن و بین‌المللی شدن می‌باشد که تحت تأثیر کلیه عوامل خارجی و داخلی صورت می‌گیرد (Castles, 1998).

البته اثرات جهانی شدن مستقیماً و صرفاً به نظامهای آموزشی و تحول در آنها محدود

آگاهی را برقرار کند. ولی نظامهای آموزش محلی چنین گرایشی را نشان نمی‌دهد.

تأثیر جهانی شدن در مورد آموزش عالی شامل حرکت به سوی یکپارچگی نیازها در جهت مدارک حرفه‌ای و در نتیجه استاندارد نمودن برنامه مراحل تحصیلی می‌باشد. پیمانهای متعددی در جامعه اروپایی منعقد شده که از مؤسسات خواسته‌اند تا در پی یکپارچگی برنامه‌ها بوده و تعریفشان را از حرفه‌هایی که تعلیمات لازم برای آنها را فراهم می‌کنند، اصلاح نمایند. پیشنهادهای مبنی بر تمرکز زدایی آموزش با ارائه نوید پیشرفت جهانی همراه بود و به همین دلیل تمرکز زدایی توسط یونسکو، بانک جهانی و دیگر سازمانهایی چندجانبه و دو جانبه، تشویق و ترویج شد (Horrvath, 1990). چگونگی تأثیر جهانی شدن بر نظامهای آموزشی را می‌توان با بررسی میزان اصلاحاتی که متوجه تمرکز زدایی است، مطالعه نمود. قلمروی چون سازماندهی نظامهای آموزشی، چگونگی آموزش و تدوین محتوی آموزشی از جمله مواردی هستند که از جهانی شدن تأثیر می‌پذیرند (McGinn, 1997).

لویس رتیناف^۱ به خطر تأثیر جهانی شدن نظامهای آموزشی اشاره می‌کند و معتقد است که در عصر جهانی شدن تعلیم و تربیت هر چیزی می‌تواند اتفاق بیافتند. از جمله بروز

² - Kerr

¹ - L. Ratinoff

تبدیل می‌کند. بدین ترتیب هر فردی شاهد آن خواهد بود که آن فرهنگهای زنده و پویا رفته رفته در موزه‌ها جا گرفته و ارزش خود را از دست می‌دهند و انسانها خود بخود در درک فکری، اخلاقی و روحی خویش به فرهنگی گرایش می‌یابند که ساخته و پرداخته رسانه‌های تبلیغاتی است - فرهنگی که مد روز است و با تغییر بازار، تغییر می‌کند (غلیون، ۱۳۷۸).

اشکال جدید بیسوادی، عدم مهارت در به کارگیری به روز تواناییهای اساسی، توان پایین ادراکی در بین جوانان، عدم آمادگی آشکار برای ورود به بازار کار، عدم توانایی پاسخگویی به نیازها و نبودن پتانسیل یکپارچه شدن نظامهای آموزشی، تحصیلات ناموزون با نیازهای بازار و افزایش نابرابریهای اجتماعی و... از جمله مواردی هستند که از نظر طرفداران جهانی شدن، ضرورت جهانی شدن تعلیم و تربیت را نمایان می‌سازد و تغییرات اساسی در اهداف، محتوا و روشهای تعلیم و تربیت را اثبات می‌نماید. چنانکه اتون (ottone) مؤلفه‌های نظامهای آموزشی جهانی شده را انعطاف‌پذیری، آگاهی از نحوه کار، ذهن گشوده، تعلیمات دائمی، استقلال فردی و خلاقیت می‌داند (Ottone, ۱۹۹۶).

ظهور پارادایم یادگیری و تعلیم و تربیت جهانی، یکی دیگر از پیامدهای جهانی شدن است. این پارادایم در زمینه آموزش عالی

نمی‌شود چرا که تأثیرات خواسته یا ناخواسته جهانی شدن نه تنها به وسیله تغییر نظامهای آموزشی، بلکه با تغییر محیطی که نظامها در آن عمل می‌کنند، نیز به وجود می‌آید. مثلاً ویدئو، تورسیم، پخش تلویزیونی توسط ماهواره به نحوی مستقل از خواست اولیاء فرزندان عمل می‌کنند. آنها تصورات و اطلاعاتی را به همراه دارند که می‌توانند آگاهیها، مهارتها و ارزشها را همانند آموزگاران در مدرسه منتقل کنند. این رسانه‌ها به شرکتهای چندملیتی تعلق دارند که تقریباً در همه جا می‌توانند وارد شوند و هیچ کشوری از آنها در امان نیست و لازم هم نیست که حتماً ارتباط بین محتوای آنها و محتوای مباحث نظام آموزشی وجود داشته باشد.

تاکیدی که بر تعلیم و تربیت و نقش آن در خدمت به منافع جهانی شدن بازار آزاد مبذول می‌گردد، خود موجب حرکتهایی شده که نهایتاً فقیرترین بخشهایی جهان را به زیر کشیده و بدین ترتیب آنها را بیش از پیش وابسته به غرب نموده است. این وابستگی بیشتر خود را در عرصه فرهنگ که خود را یک مقوله تعلیم و تربیتی است بیشتر نمایان می‌سازد. جهانی سازی فرهنگی (به تبع آن تعلیم و تربیت) نه تنها فرهنگهایی گوناگون جهان را به انسان نشان می‌دهد، بلکه فرهنگ مدنی نوینی پدید می‌آورد که فرهنگهای پویای ملی را به فرهنگهای فولکوریک، تفریحی و تاریخی

نوع و کیفیت یادگیریهای مورد نظر نظامهای ملی و محلی.

۴. جایگاه ممتاز دانشگاهها به عنوان محل اختصاصی برای تصمیم‌گیری پیرامون چگونگی آموزش و تدوین محتوای درسی و سازماندهی رشته‌های تحصیلی، تضعیف خواهد شد.

۵. با توجه به اینکه هر جامعه‌ای حدود معنایی و هویتی را برای نظامهای آموزشی خود تعریف می‌کند. ظهور نهضت جهانی شدن دگرگونی‌هایی را در نظامهای واحد خاص (محلی یا ملی) و ترتیبات سستی - ملی دولتها و جوامع پدید می‌آورد.

۶. کاهش حضور عوامل انسانی در امر تعلیم و تربیت که خود محصول ظهور و غلبه تکنولوژیهای جدید آموزشی و فن‌آوری انتقال اطلاعات می‌باشد.

۷. هدایت نظامهای آموزشی به سمت تأمین نیازهای بازار آزاد در جهت سودآوری بیشتر و تحمیل شکل نوینی از امپریالیسم فرهنگی، سعی در جهت‌گیری کاپیتالیستی - مدرنیستی تعلیم و تربیت و تأمین نیازهای بازار و دامن زدن به قاعده مصرف‌گرایی.

۸. تبدیل نظامهای آموزشی به صورت مراکزی در جهت تأمین نیروی کار مناسب برای شرکتهای فراملیتی و اقتصاد سرمایه‌داری و القاء نگرش سودمدارانه در مورد تعلیم و تربیت.

بیشتر به استاندارد شدن مدارک تحصیلی و ارزشیابی و تمرکززدایی تاکید دارد. توجه به برنامه درسی جهانی و کل‌گرا نیز از دیگر ویژگیهای پارادایم مذکور است.

بنابراین و با توجه به مباحث مطرح شده در مقاله، به اهم پیامدهای چالش‌انگیز جهانی شدن تعلیم و تربیت به شرح ذیل و به طور خلاصه اشاره می‌نماییم:

۱. با ظهور رسانه‌های پیشرفته و تکنولوژی مدرن همچون ماهواره، اینترنت و رایانه که همگی نقش آموزشی و تربیتی را دارا هستند، میزان کنترل مدارس بر آموخته‌ها و کیفیت و جهت‌گیریهای آموزش و تربیتی کاهش می‌یابد و مدارس رقبای جدیدی را شاهد خواهد بود و تعلیم و تربیت دیگر محدود به مکانی به نام مدرسه نخواهد بود.

۲. روند جهانی شدن تعلیم و تربیت، به خاطر بی‌توجهی به تواناییهای جوامع محلی و میزبان و تلاش در جهت القاء نظام آموزشی واحد جهانی، به لحاظ محلی و بومی آثار سوء فراوانی را در پی خواهد داشت؛ همچون تضعیف نظامهای آموزش محلی و ملی، آن هم به خاطر حضور و غلبه کالاهای فرهنگی و تولیدات آموزشی نظامهای سلطه در کشورهای مختلف.

۳. تصویری شدن شیوه‌های ارسال اطلاعات و تضعیف شیوه‌های آموزشی مبتنی بر متنهای مکتوب و در نتیجه کاهش کنترل و هدایت

نابسامانیها و تلاشهایی که ماهیت تهاجمی و تقابلی دارند، را فراهم می‌سازد.

۱۴. کاهش میزان اختیار تصمیم‌گیریهای آموزشی محلی و ملی و جایگزینی مراکز تصمیم‌گیری فراملی یا جهانی و در نتیجه بی‌توجهی به اقتضات اخلاقی، ایدئولوژیک، دینی و علمی مورد توجه نظامهای آموزشی محلی و ملی.

۱۵. دانشگاههای مجازی^۱ به عنوان یکی از ثمرات جهانی شدن و پیشرفتهای تکنولوژیک، که با اهدافی چون پیشرفت کیفی، شبکه توزیع دانش (distributed knowledge network) و آموزش عالی پویا و زنده (higher learning on-line) مورد اقبال قرار می‌گیرد، موجبات تضعیف استقلال دانشگاههای ملی - محلی را در عرصه برنامه‌ریزیها و تصمیم‌گیریها مبتنی بر اقتضات بومی را فراهم می‌کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به طرح مباحثی چون مفهوم جهانی شدن، تاریخچه ظهور آن، ارتباط بین مسأله جهانی شدن و تعلیم و تربیت، ابعاد جهانی شدن و مسأله جهانی شدن تعلیم و تربیت، به این واقعیت دست یافته‌ایم که جهانی شدن یک جریان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که سعی دارد نوعی انسجام وحدت گرایانه در مقولاتی چون اقتصاد و

۹. تغییر جهت‌گیریهای برنامه‌های تربیتی از حالت بلند مدت به کوتاه مدت.

۱۰. به واسطه اجرای اهداف فرهنگی مبتنی بر ایده‌های امپریالیستی، نظام تربیتی فاقد خصیصه نظارت و داوری سیاسی و اخلاقی ملی و محلی خواهد شد.

۱۱. القاء ضرورت پذیرش آموزش زبان واحد در بطن برنامه‌های آموزشی و تبدیل زبان انگلیسی به زبان جهانی و جهانی شدن ملاک ارزیابی اعتبار مدارک آموزشی و تحصیلی و غلبه حضور نهادهای جهانی در ارایه تعریف از یک نظام کیفی و مطلوب آموزشی، بدون در نظر گرفتن معیارها و ملاکهای محلی و ملی در تعریف و تنظیم محتوای آموزشی.

۱۲. به واسطه پیوند ذاتی و جدایی‌ناپذیر روند جهانی شدن از روند سکولاریزاسیون و پیامد تسلط فرهنگ غیردینی غرب بر دیگر ملل و نهایتاً سکولاری شدن اجتماعی جوامع محلی، نظامهای تربیتی محلی نیز ماهیت سکولاری خواهند یافت.

۱۳. با ظهور نهضت جهانی شدن و تئوریهایی یکپارچه سازی و نبودن فضایی مناسب برای ابراز و ظهور عقاید، شیوه‌ها و سلیقه‌های متفاوت، زمینه برخورد بین فرهنگها و تمدنها پدیدار می‌گردد که خود بیشترین تأثیر را روی برنامه‌های آموزش و پرورش جوامع مختلف به جای خواهد گذاشت و زمینه بروز

¹ - virtual universities

محتوی تعلیم و تربیت محلی و ملی را فراهم کند و مرکزیت تصمیم‌گیرهای آموزشی و تربیتی را از حالت ملی و محلی به حالت فراملی و جهانی درآورد که خود زمینه بعضی نابسامانیهای هویتی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی را برای جوامع مختلف به وجود می‌آورد که در مقاله به آن اشاره شد.

فرهنگ و از جمله تعلیم و تربیت به وجود آورد به نحوی که جهت‌گیرها، برنامه‌ها، شیوه‌ها، ساختار، اهداف و محتوی تعلیم و تربیت به سمت یک نظام واحد جهانی تعلیم و تربیت حرکت نمایند و البته این تحولاتی را در عرصه تعلیم و تربیت به وجود می‌آورد، و می‌تواند موجبات تضعیف ساختارها، اهداف و

منابع

فارسی

- بازانسون، کیت (۱۹۹۸). اسطوره‌ها. مخاطرات و منافع جهانی شدن. ترجمه ابراهیم عنصری. مجله اندیشه جامعه. شماره ۹ ص ۳۰.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸). جهانی شدن فرهنگ. مجله اندیشه جامعه. بهمن. شماره ۹. ص ۳۵.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۷۸). جهانی شدن از منظر جامعه‌شناسی. مجله اندیشه جامعه شماره ۹. ص ۲۴.
- غلیون، برهان. جهانی سازی و گفتگوی تمدن‌ها. ترجمه باقری. روزنامه کیهان. ۱۴/۱۰/۱۳۷۸.
- کیوان، وحید (۱۳۷۶). جهانی شدن جدید سرمایه‌داری و جهان سوم. تهران. نشر و توسعه جلد اول. ص. ۵۲.

لاتین